انترناسیونال 799

حسن صالحی

**جنگ مغلوبه جمهوری اسلامی علیه اسماعیل بخشی**

از همان روزی که اسماعیل بخشی در اقدامی جسورانه در باره شکنجه شدنش در زندان های رژیم سخن گفت، جمهوری اسلامی به تقلا افتاد که مسئله شکنجه بخشی را انکار کند. همه از اصولگرا و اصلاح طلب به خط شدند تا به جامعه اعلام کنند شکنجه ای در کار نبوده است. جالب است که در "تحقیقات" رسمی حکومتی پیرامون این مسئله به کسی که شاکی بود مراجعه ای نشد و وزرات اطلاعات و دادستانی که خود متهم اصلی شکنجه بخشی بودند مامور رسیدگی به این پرونده شدند. مردم به آنها خندیدند و و از زبان برخی نمایندگان مجلس شان حتی اعلام شد که "انکار شکنجه" را جدی نمی گیرند.

از همان زمان که جمهوری اسلامی با هر دسته و جناج، ساز"انکار شکنجه" را به صدا دارآورد کوس رسوایی حکومت بیشتر بالا گرفت. نه فقط به این خاطر که حرفهای اسماعیل بخشی صحت داشت بلکه به این خاطر که هزاران نفر با انتشار ویدئو و بازگویی خاطرات خود از زندانهای جمهوری اسلامی شهادت دادند که مورد شکنحه واقع شده اند و شکنحه بخشی لایتجزا از هویت جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی تلاش کرد که با تهدید و ارعاب اسماعیل بخشی را منکوب کند و لی هزاران نفر سر بلند کردند و گفتند ما همه بخشی هستیم و مورد شکنجه واقع شده ایم. موج همبستگی با اسماعیل بخشی در اشکال مختلفی و منجمله امضای طومارهای اعتراضی ادامه دارد. نامه دادخواهی بخشی به دهها زبان ترجمه شده است و جهانیان از آن با خبر شده اند. اتحادیه های کارگری جهان در این رابطه نامه اعتراضی نوشته اند. صدها مصاحبه و گفتگو در حمایت از بخشی منتشر شده است. رسانه های شناخته شده فارسی زبان در این مورد خبر و گزارش انتشار دادند. و هم زندانی های بخشی یعنی سپیده قلیان و عسل محمدی نیز بسیار جسورانه شهادت دادند که اسماعیل بخشی و خودشان نیز شکنجه شده اند.

جمهوری اسلامی در جنگ علیه بخشی برای "انکار شکنجه" مغلوب شد. تحقیقات فرمایشی، پاپوش دوزی ها و تلاش برای متقاعد کردن جامعه مبنی بر عدم وجود شکنجه در زندانها، بیشتر موجب خشم و اعتراض مردم گردید. با دادخواهی اسماعیل بخشی، مردم وارد کارزای شده اند که علیه شکنجه و عاملان آن شکل گرفته است. اسماعیل بخشی نه فقط تنها نیست بلکه در ابعاد اجتماعی تکثیر شده است. جمهوری اسلامی هر چقدر هم اسماعیل بخشی را تحت فشار قرار دهد با هزاران انسان شکنجه شده که یکی بعد از دیگری کیفرخواست خود علیه جمهوری اسلامی را بیان می کنند، چه می تواند بکند؟

قدم بعدی برای مردم روشن است. لازم است حمایتها و پشتیبانی ها از بخشی ادامه پیدا کند. ضروری است شخصیهای اجتماعی، فعالین کارگری و مدنی، دانشگاهها و مراکز کار به هر نسبت و به هر شکلی که می توانند با اسماعیل بخشی اعلام همبستگی کنند. لازم است در همه جا صدای خود را علیه دستگیری وبازداشت فعالین کارگری و مدنی و همچنین امنیتی کردن اعتراضات مردمی بیان داریم. باید بگوئیم که اعتراض، برپایی تجمع و اعتصاب حق ماست. باید پرونده هایی که علیه فعالین عرصه های مختلف در جریان است رسما و علنا مختومه اعلام شود. باید از بخشی و امثال بخشی ها فورا رفع اتهام شود. کنترل زندگی خصوصی مردم باید پایان یابد و ...

هدف و خواستها روشن است. راه رسیدن به این خواستها اتحاد بخشهای مختلف جامعه است. جمهوری اسلامی در مقابل مردمی که متحدانه به دنبال خواستهای خود هستند، راهی جز زانو زدن نخواهد داشت.